

• سیر تاریخ نگاری و فلسفه اجتماعی آن •

-۱۰-

((طبری مورخ و مفسر بزرگ))

بنا بنظر دوست دانشمند ما: طبری بزرگترین و معتبرترین مورخان اسلام است، در شهرستان آمل مازندران در دوست و بیست و چهار هجری قمری متولد شده. آمل آن زمان قصبه یا مرکز مازندران «طبرستان» بوده نام کامل این مورخ بزرگ ابو جعفر محمد بن جریر طبری است. طبری در ابتداء در شهر خود آمل به تحصیل پرداخت سپس برای تکمیل دانش از زادگاه خویش خارج شد، بسیر و سفر سرگرم گردید. نخست بشهر ری که آن زمان شهر بسیار بزرگی بود و از مرکزهای دانش و ادب و هنر شمرده میشد رفت، در آنجا مدتی بدریافت علم و شنیدن احادیث از مشایخ مشغول بود، مهمترین استاد طبری در ری محمد بن حمید رازی نام داشت که در علم حدیث از مشهورترین بزرگان عصر خود بود، در همین هنگام طبری به مجلس درس و روایت استاد دیگری بنام احمد بن حماد حاضر میشد، این مدرس بزرگ در دولاب که آبادی کوچکی در بیرون شهر ری بود سکونت داشت، بیشتر روایت های سیره و مغازی را طبری از احمد بن حماد دولابی دریافت کرد، همین روایت ها اساس تاریخ طبری را تشکیل داد.

طبری از ری بسوی بغداد رهسپار شد ، مدتی در بغداد ماند ، از مشایخ آنجا استماع حدیث و کسب دانش مینمود ، از بغداد به بصره رفت ، در آنجا هم به تحصیلات خود ادامه داد ، پس از شنیدن حدیث در شهرهای کوفه و واسط بسوی مغرب رو آورد ، تصمیم گرفت که بدیار مصر رهسپار گردد ، در بین راه همه جا بدریافت علم و شنیدن حدیث سرگرم بود . در سال دویست و پنجاه و شش هجری قمری وارد قسطنطین مصر شد و مورد توجه علمای بزرگ مصر واقع گردید ، در برخورد هائی که مابین وی و علماء و دانشمندان مصر بعمل آمد ، بزرگان دانش بر مقام علمی طبری اعتراف نمودند فضل و تبحر او در علوم مختلفه آشکار گردید ، برای باردیگر هوش و درایت و دانش و نبوغ ایرانی در جهان عرب و عالم اسلام درخشید .

طبری در مصر در خانه ای که يك نفر از علمای محل در نزدیکی منزل خود فراهم نموده بود ساکن شد ، باستفاضة و افاضه مشغول گردید ، باین نکته هم باید توجه داشت که ، در زمان طبری یعنی قرن سوم هجری هنوز بنا و تأسیس مدرسه ها برای سکونت و تحصیل طلبه ها شایع و متداول نشده بود ، بالاخره طبری پس از تکمیل تحصیلات خود به بغداد بازگشت کرد ، آنجا برای خود وطن همیشگی برگزید بساط تدریس و نشر علم را در پایتخت کشور اسلامی بگسترده ، طالبان دانش برای استفاده و استفاضه بدور وی پروانه وار گرد آمدند ، نام طبری در فقه و حدیث و تفسیر و تاریخ همه جا مشهور شد تا جائی که او نیز مانند ابوحنیفه و شافعی در فقه اهل سنت و جماعت برای خود صاحب مسلک و یا مذهبی خاص گردید فقهای دیگر روی اصول مبنای او اجتهاد و استنباط احکام مینمودند در این ضمن با حنبلی ها که در آن وقت در بغداد بسیار نیرومند بودند طرفیت پیدا کرد ، چون طبری در یک مسئله کلامی برخلاف احمد بن حنبل اظهار عقیده کرد و روایت های او را ضعیف شمزد ، در برابر آن حنبلی ها بروی شوریده او را متهم به شیعه گری نمودند در مسجد بادوات های خود بروی هجوم بردند ، مرکب ها و جوهر های قلم و دوات خود را بر سر رویش زدند !! بعد بخانه ابریخته و سنگ باران کردند !! تاریخ شریحه وقت « رئیس شهربانی » سوار شده و بسوی آنان شتافت ، آشوبگران را از دور خانه طبری

پراکنده ساخت ، این حادثه درس عبرتی برای طبری شد ، کتابی درپوش از گفته‌های گذشته خود و فضیلت‌های احمد بن حنبل تألیف کرد .

صرف نظر از این واقعه ناگوار ، طبری زندگانی آرامی را در بغداد میگذراند کتابهای متعددی در علوم و فنون گوناگون اسلامی تألیف کرد ، درینا که بیشتر آنها از دست رفت ، اما کتاب تفسیر وی بنام جامع البیان و کتاب تاریخ وی بنام تاریخ الامم و الملوك ، اکنون در دست ونام اورا جاوید داشته‌اند ، کتاب مفید دیگری هم بنام ذیل المذیل ، در شرح حال صحابه و تابعین بکتاب تاریخ بیوست شد و منتشر گردید کتاب تفسیر طبری با تصحیح و باورقی احمد شا کر محدث و عالم مشهور در مصر چاپ شد^۱ چون نظر ما بحث در جنبه تاریخ نگاری طبری است درباره کتاب تاریخ وی شمه‌ای می‌نکاریم .

ابو جعفر طبری در بغداد وقت خود را صرف آموزش و پرورش شاگردان و تألیف کتابهای علمی و عبادت کرده بود ، در نزد مردم و اجتماع و بزرگان دولت محترم و موجه بود ، تا در سن هشتاد و شش سالگی در سال سیصد و ده در گذشت .

طبری بدون شك یکی از بزرگترین علماء و مصنفین کتب بود ، یکی از ارکان

۱ - خدا رحمت کناد محمد عبدالوهاب قزوینی را . نگارنده ناچیز این سطرها بنا باشارت او هفته‌ای يك ياد و بار به نزد وی میرفت ، یکی از روزهای سخت بیماری آن بزرگ مرد ، محمد علی فروغی ، اقبال آشتیانی ، دکتر غنی و تنی چند از بزرگان ادب پروانه وار گردش جمع و جودش بودند ، فروغی از قزوینی خواست تا او را وصیتی کند ، اصرار فروغی بیمار فرزانه و هوشمند را برانگیخت و فرمود : آرزو دارد ترجمه تفسیر طبری چاپ شود !! این سخن جمعیت ما را سخت متأثر ساخت !! یا للعباب !! محمد قزوینی پس از سالیان دراز اقامت در اروپا بایران آمده اینک در بستر بیماری گرفتار شده . یگانه دوست دیرینه و نیر و مندش از او خواهش‌ها میکند تا به پاس دوستی يك عمر هفتاد ساله کاری انجام دهد !! در برابر درخواست يك کار خدا پسندانه علمی و ادبی مینماید !! آری چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار ، فروغی قبول مینماید ، مقدمات کار کم فراهم شد ، اینک شش جلد از ترجمه تفسیر طبری به کوشش و تصحیح حبیب یغمائی از انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده .

دانش و معرفت در زمان خود بشمار میرفت، جامع رشته‌های مختلف علوم اسلامی عصر خود بود، درباره شناساندن مقام علمی وی و اندازه وارد بودن و استادی وی در هر یک از دانش‌ها بحث جداگانه لازم است. دکتر جوادعلی ازدانشمندان عراق يك سلسله مقالات ارزنده در مضارر تاریخ طبری در مجله مجمع علمی عراقی نوشت که تازه‌ترین تحقیقات تاریخی درباره اوست، احمد شاکر عالم و محدث مشهور دیار مصر در پاورقی تفسیر طبری تبیعات دقیقی در روایین‌های تفسیر نمود که از جنبه درایه، علم حدیث، رجال شاهکار قرن ما است.

چون موضوع گفتار ما تاریخ نگاری است، از طول دادن بسخن درباره بلندی مقام وی در علوم و فنون دیگر در می‌گذریم، تنها باین نکته اشاره بی‌فایده نیست، که اقدام کردن طبری به تاریخ نگاری با ملاحظه آن مقامی که وی در فقه و سایر علوم اسلامی دارا شده بود دلیل روشن و قطعی بر این است که مقام تاریخ نگاری در زمان طبری چنان بالا رفته بود که دالم و فقیه‌یی مانند طبری دون‌شان خود نمیدانسته که کتابی هم در تاریخ تألیف کرده و منتشر نماید.

تاریخ طبری یا «تاریخ الامم والملوک» که در هشت جلد چاپ شد، از مراجع بسیار معتبر در تاریخ اسلام و ایران است، مورخان بعدی بیشتر مطلب‌های خود را از او دریافت کرده‌اند، در روش تاریخ نگاری سبک وی را پیروی نموده‌اند، این کتاب از همان اول تألیف خود مشهور آفاق گردید و توجه علماء و دانشمندان را بخود جلب کرد.

چند نفر از مورخان مطلب را از همانجا که طبری بریده بود ادامه دادند، ذیل تاریخ طبری را تا زمان خودشان، برشته تألیف کشیده‌اند، مشهورترین این ذیل‌ها کتاب تجارب‌الامم تألیف ابوعلی مسکویه است که در اروپا و دیار عرب بی‌چاپ رسید، بلعمی وزیر هنرمند سامانیان خلاصه از تاریخ طبری را بفارسی ترجمه کرد، و خود یکی از نمونه‌های گرانبهای نثر قدیم زبان فارسی است.

از جلد‌های هشت گانه تاریخ طبری جلد‌های دوم تا پنجم که در تاریخ حضرت رسول اکرم ص و خلفای راشدین و بنی امیه و اوایل بنی عباس است از سایر جلد‌های دیگر جالب‌تر و سودمندتر است. چون بخش اول کتاب بر پایه روایات معنعن و مرتب‌طبی است که از محترمین سیره و اخباری‌های قرن اول و دوم مانند ابن اسحق و واحدی و ابومخنف دریافت شده است. موضوع آن تا اندازه‌ای متنوع و عمومی است، گاهی شامل اوضاع و احوال طبقه دوم و سوم نیز می‌شود، اما بخش‌های بعدی از خبرهای رسمی و دولتی دریافت شده است، از این جهت خشک و یک‌نواخت است، کم‌کم روایت‌های اواخر کتاب انحصار بتاریخ دربار خلافت و خدم و حشم وی می‌شود، جنبه عمومیت را از دست می‌دهد، کمتر شایسته نام تاریخ «الامم و الملوک» می‌گردد، چون در آخرهای کتاب از احوال اهم یعنی ملت‌ها کمتر سخن گفته است.

طبری آزاد فکر بود. از این جهت تکفیرش کردند، و خانه‌اش را سنگسار کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- استاد پورداد در مقدمه کتاب ترجمه و تفسیر اوستا انتقاد ناروا به طبری نمود که چرا در تاریخ ایران گزاره‌ها روایت کرده، شادروان محمد عبدالوهاب قزوینی نامه دوستانه و گله آمیزی برای ایشان نوشت، در آنجا از طبری دفاع نمود، شارح و مترجم اوستا نامه قزوینی را با کمال انصاف در جلد دوم کتاب خود منتشر نمود خدا رحمت کناد قزوینی را که بارها درین باره مرا حکایت کرد که حق بالاتر از دوستی با سقراط است!!